

تأثیر محرومیت‌های اجتماعی بر هنجار صداقت موردپژوهی چندگانه گروه‌های شغلی در ایران^۱

هدا یاقوتی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی وضعیت انواع محرومیت در جامعه و اثر آن بر هنجار اجتماعی صداقت است. از آنجایی که هنجار صداقت نقش مهمی در نظم اجتماعی دارد، نظریه تبیین کننده پژوهش نظریه چلبی (با تأکید بر اخلاق مسئولیت) است. در سنجش محرومیت چهار بُعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و درسنجش هنجار صداقت تصور از وضعیت هنجار در جامعه و آمادگی برای رعایت هنجارها (در شعاع عام‌گرا یا خاص‌گرا) و صیغه ارزش اخلاقی آن مورد نظر بوده است. این مطالعه مبتنی بر موردپژوهی چندگانه و با روش پیمایش درون موردی است. در انتخاب موارد شغل معیار اصلی بوده و ۳۸۱ نفر از افراد شاغل (گروه‌های شغلی کارگر، کارمند بانک، کارشناس ارشد، پاسبان، نظامی درجه‌دار، وکیل، بهیار، پرستار، پزشک، معلم، دبیر و استاد دانشگاه) انتخاب شدند. ضعف هنجار صداقت که توأم با افزایش (به‌ترتیب) میزان محرومیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است نشان از نوعی اختلال هنجاری (از نوع ضعف هنجاری) در جامعه دارد که به کمک مجموعه‌ای از محرومیت‌های اجتماعی (به عنوان عوامل مقوم) ۲۵ درصد از تغییرات آن در مدل آماری قابل تبیین است.

واژگان کلیدی: محرومیت‌های اجتماعی، هنجار صداقت، نظم اجتماعی، موردپژوهی، اختلال - هنجاری.

۱ این مقاله اقتباسی از رساله دکتری نویسنده به راهنمایی دکتر مسعود چلبی و مشاوره دکتر مهدی المیر در دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

۲ دکتری جامعه شناسی - بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی، hoda.yaghouti@gmail.com

مقدمه و بیان مساله

دوام و پایداری هر جامعه‌ای به حفظ «نظم اجتماعی»^۱ بستگی دارد و نظم در جامعه منوط به رعایت هنجارهاست. هنجار صداقت علاوه بر اینکه در آموزه‌های مذهبی، اخلاقی و تربیتی (مطهری، ۱۳۶۷) بسیار موکد است؛ در نظم اجتماعی نیز نقش محوری دارد. هسته اساسی موضوع هنجارهای اجتماعی^۲، «عام‌گرایی» و رعایت هنجارها در سطح کلان جامعه است و زمانی که از هنجار اجتماعی صداقت سخن می‌رود، مقصود رعایت این هنجار توأم با عام‌گرایی است. در عام‌گرایی «درنظر گرفتن دیگران و ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی» حاکم می‌گردد. پرسشی که مطرح می‌شود این است که در جامعه چه شرایط اجتماعی باید حکم‌فرما باشد تا فرد بدور از خودخواهی فردی (نیازها و منافع فردی خود را تعدیل کرده) به منافع جمعی ارزش بیشتری نهاده و به هنجار صداقت در شعاع عام‌گرا عمل نماید؟ و چه عوامل یا محدودیت‌های اجتماعی مانع رعایت این هنجار خواهد بود؟

در پژوهش حاضر؛ به تأثیر محرومیت‌های اجتماعی، به عنوان یکی از چالش‌های اقتصادی و اجتماعی بر هنجار صداقت توجه می‌گردد و فرض محوری این است که معمولاً در زمان رکود اقتصادی (یا حتی تصور از این وضعیت)، هنجارها و اخلاق اجتماعی به پایین‌ترین سطح تنزل می‌کند. بخش‌هایی از جامعه برای تأمین زندگی روزمره‌شان با مشکلات جدی، عینی و محسوسی روبه‌رو شده و احتمال آماری زیرپا گذاشتن اصل‌های اخلاقی و عمل به کارهایی که در شرایط عادی غیراخلاقی تلقی می‌شوند، بالا می‌رود. هرچند همه فقرا و محرومان، لزوماً دچار انحراف اجتماعی نخواهند شد، اما محرومیت بستر و زمینه‌ساز تنزل رعایت اخلاق و هنجارهای اجتماعی در جامعه است؛ به خصوص اگر با نوعی مقایسه اجتماعی و احساس بی‌عدالتی (و محرومیت نسبی) تشدید گردد. بنابراین پرسش نخست پژوهش این است که افراد و گروه‌های اجتماعی چه تجربه‌ای از محرومیت‌های اجتماعی دارند؟ دوم وضعیت هنجار صداقت در جامعه امروز (تصور اجتماعی از وضعیت هنجار صداقت) چگونه است و افراد در چه شعاعی (عام‌گرا یا خاص‌گرا) آمادگی رعایت هنجار را دارند؟ و اثر انواع محرومیت‌های اجتماعی بر هنجار صداقت چقدر است؟

1 Social Order

2 Social norms

پیشینه تجربی

در مورد ارتباط هنجار صداقت با محرومیت‌های اجتماعی پژوهش تجربی مستقیمی یافت نشد و در اغلب پژوهش‌ها میزان پای‌بندی به هنجار صداقت سنجش شده است. در گزارش سنجش سرمایه اجتماعی (۱۳۹۴) که توسط دفتر طرح‌های ملی در سطح ۳۱ استان کشور انجام شده است، به منظور بررسی «پنداشت مردم از نیکویی جامعه»، مجموعه پرسش‌هایی مطرح شده که یکی از آن‌ها بررسی میزان پنهانکاری است (گزارش سنجش سرمایه اجتماعی کشور، ۱۳۹۴: ۹۶). این سنجش می‌تواند روشن‌گر هنجار صداقت باشد. پرسش این است «در جامعه ما تا چه حد از پنهانکاری پرهیز می‌شود؟» پاسخ‌ها نشان می‌دهد تنها ۱۷ درصد «در طیف زیاد و خیلی زیاد» پرهیز از پنهانکاری را در جامعه می‌بینند و مابقی بیان نمودند که چندان از پنهانکاری پرهیز نمی‌شود. پنهانکاری از موانع اجرای صداقت است و تا زمانی که این تصور وجود دارد که بقیه با فرد روراست نیستند و پنهانکاری می‌کنند، در صداقت اختلال پیش می‌آید. همچنان که در مطالعات ملی در بررسی صداقت به مسأله شرطی بودن صداقت اشاره شده است، چلبی (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی نشان می‌دهد «بیش از ۲۷ درصد از پاسخ‌گویان گفته‌اند: اگر دیگران صداقت نداشته‌باشند؛ حاضر به رعایت آن نخواهند بود». پژوهش اجتماعی دیگری در مورد تصور از هنجارها که توسط محسنی (۱۳۷۹) انجام شده است، در مناطق شهری کشور به این نتیجه دست می‌یابد که «مردان، جوانان، مجردها، افراد با سوادتر و افراد با درآمد بالاتر» در میزان راست‌گویی هم‌وطنان خود تردید بیشتری دارند» (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۸۲-۸۴).

مفهوم محرومیت اجتماعی: در پژوهش‌های موجود؛ اغلب تمایز مشخصی بین مفهوم محرومیت اجتماعی با مفاهیم فقر^۲ و طرد اجتماعی^۳ وجود ندارد. محرومیت اجتماعی، مفهومی چند وجهی^۴ است و «فقدان منابع و فرصت‌ها» به عنوان نکته اصلی در تعریف این مفهوم است. در مورد تفاوت محرومیت و طرد اجتماعی، عده ای همانند بوسرت^۵ و همکاران معتقدند بر اثر تداوم محرومیت و بدتر شدن وضعیت فرد، طرد اجتماعی حاصل می‌شود. یعنی طرد اجتماعی،

1 Social deprivation

2 Poverty

3 Social Exclusion

4 Multi-Faceted

5 Bossert

«حاصل محرومیت در طول زمان طولانی است» (Bossert و همکاران، ۲۰۰۴: ۲). اما باید توجه داشت که طرد تعیین کننده میزان وفاق فرد با جامعه است (Mathieson و همکاران، ۲۰۰۸: ۶). بنابراین «افراد به طور دائم محروم از امکانات»، «نخبگان سیاسی محروم از حقوق قانونی» یا «اقلیت‌های محروم از هویت نمونه‌ای» از افراد مطرود اجتماعی اند (Haan، ۲۰۱۱: ۲۹). در مورد تمایز بین محرومیت و فقر باید توجه داشت، «تاکید اصلی فقر بر دستیابی به منابع و تامین نیازهای مادی است و در صورت فقدان منابع مادی و اقتصادی، فقر ایجاد می‌شود و پیامد آن تمام وجوه زندگی فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد» (فیلیپس^۱، ۲۰۰۶). همچنین باید توجه داشت محرومیت اجتماعی نسبت به مفهوم احساس محرومیت نسبی (که مبتنی بر نوعی مقایسه اجتماعی است) عینی‌تر است. احساس محرومیت نسبی «احساس افراد مبنی بر وجود اختلاف میان توقعات و خواسته‌ها (که افراد خود را مستحق آن می‌دانند) با شرایط زندگی است» (گر، ۱۳۸۸: ۵۴). مرور پژوهش‌های تجربی، برخی از ابعاد محرومیت را نشان می‌دهد. اسمیت^۲، وانگ^۳، شی‌یو^۴ و گالابوزی^۵ چهار تا هفت بُعد از محرومیت را شناسایی می‌کنند. جدول شماره ۱. به این ابعاد اختصاص دارد.

جدول شماره ۱. ابعاد محرومیت در پژوهش‌های تجربی

محقق	ابعاد محرومیت
پرسی اسمیت (۲۰۰۰)	(۱) اقتصادی: (بیکاری طولانی مدت، بیکاری اعضای خانواده، فقر در آمدی)
	(۲) اجتماعی: (بی خانمانی، جرم، نارضایتی جوانان)
	(۳) سیاسی: (بی قدرتی، عدم اقتدار، فقدان حقوق سیاسی، از خود بیگانگی یا فقدان اعتماد به فرایندهای سیاسی جامعه)
	(۴) همسایگی: (محیط زندگی نامناسب)
	(۵) فردی: (بیماری جسمی و روحی، دسترسی پایین آموزشی)
	(۶) فضایی: (متمركز و حاشیه ای شدن گروه های آسیب پذیر)
	(۷) گروهی: (جمع شدن ویژگی های بالا در گروه‌های خاص: سالخوردگان، ناتوانان، اقلیت‌های قومی) (Levitas et al، ۲۰۰۷: ۳۰).

1 Phillips

2 Smith

3 Wang

4 Sheu

5 Galabuzi

ادامه جدول شماره ۱. ابعاد محرومیت در پژوهش‌های تجربی

محقق	ابعاد محرومیت
وانگ (۲۰۰۱)	(۱) اشتغال: بیکاری یا بازار کار حاشیه ای (۲) فقر: ضعف مالی علی رغم سیستم رفاهی که به واسطه ی دولت فراهم شده است. (۳) فقدان مشارکت در سازمان ها و فرایندهای تصمیم گیری: فقدان حق رای، عدم تعلق به هر گروه اجتماعی با سیاسی. (۴) روابط میان فردی: شبکه های اجتماعی محدود، حاشیه ای با بدنام شدن، فقدان حمایت از سوی اعضای خانواده، دوستان و یا اجتماعات. (۵) فضای زندگی: فضای زندگی محدود و با منطقه‌ی سکونت نامناسب.
شیو (۲۰۰۴)	(۱) محرومیت از بازار کار (۲) محرومیت اقتصادی (۳) محرومیت فرهنگی (۴) محرومیت از روابط اجتماعی (۵) محرومیت فاصله ای (فضایی) (۶) محرومیت نهادی
گالابوزی ^۱ (۲۰۰۶)	(۱) محرومیت اقتصادی: نابرابری یا فقدان دسترسی به ابزار زندگی. (۲) محرومیت از جامعه مدنی: عدم ارتباط بخاطر تحریم های قانونی، به کار گیری تبعیض های سیستماتیک و مکانیزمی مبتنی بر نژاد، قومیت، جنسیت، ناتوانی، جنسیت گرایی و گرایشات مذهبی. (۳) محرومیت از کالاهای اجتماعی: عدم موفقیت جامعه برای فراهم کردن نیازهای گروه های خاص، مثل خدمات زبانی برای مهاجران و ضمانت های اجرایی بازدارنده از تبعیض. (۴) محرومیت از تولیدات اجتماعی: عدم اعطای فرصت برای مشارکت فعال در جامعه (Galabuzi, ۲۰۱۰: ۱۵).

چارچوب نظری

نظریه‌ها و دیدگاه‌های روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و علوم اخلاقی هر یک به تبیین عوامل موثر بر رعایت هنجارها (در شعاع عام‌گرا) پرداخته‌اند. «منزلت و دلهره‌ی منزلت»، عامل مهمی است که بسیاری از نظریه‌های روانشناختی از آن به عنوان علت تأثیرگذار در پیروی از هنجارها نام می‌برند (فورسایت، ۱۳۸۰ و ارونسون، ۱۳۸۲). نظریه کنترل اجتماعی به مکانیزم‌هایی اشاره دارد که جامعه برای سازگاری افراد با هنجارهای اجتماعی به‌کار می‌برد. «کنترل اجتماعی»؛ شامل مجموعه‌ای از عوامل محسوس (یا نامحسوس) است که مانع کج‌رفتاری کنشگران یک جامعه از هنجارها و ارزش‌های مهم و اساسی می‌گردد. در هر جامعه‌ای باتوجه به ساختار، فرهنگ، نهادهای اجتماعی و

... آن جامعه، مکانیزم‌های کنترل اجتماعی متفاوت خواهد بود. در نظریه‌های اخلاق و تربیت اخلاقی نیز، (از جمله دیدگاه اخلاق سودمندگرا، اخلاق تکلیف‌گرا و غیره) بر رعایت هنجار صداقت به دلیل نفع همگانی آن و رعایت هنجاری اخلاقی به عنوان اصل، تأکید شده است. اما در میان نظریه‌ها و رهیافت‌های موجود، این پژوهش مبتنی بر نظریه نظم اجتماعی چلبی خواهد بود. توجه به نقش هنجار در نظم اجتماعی، جامعیت و چند بعدی بودن این نظریه ضمن توجه به علل اجتماعی در بررسی هنجارها از مهم‌ترین دلایل انتخاب این نظریه است.

نظریه نظم اجتماعی چلبی (تلاشی در جهت تبیین مسأله): در این بخش با توجه به نقش محوری هنجار صداقت در نظم اجتماعی، به نظریه نظم اجتماعی چلبی (۱۳۷۵) و به خصوص بحث اخلاق مسئولیت (چلبی، ۱۳۷۵-فصل نهم) مراجعه می‌گردد و به کمک آن به نقش هنجار صداقت در جامعه و شرایط اجتماعی موثر بر رعایت هنجاری در شعاع عام‌گرا تبیین می‌گردد. در ابتدا به تعریف چلبی از هنجار مراجعه می‌شود؛ «دستورالعمل‌های اجتماعی (گرامر اجتماعی) برای تعیین وظایف و حقوق و تکالیف در میان اعضای گروه و گروه‌ها هستند. اجرا و رعایت این دستورالعمل‌ها توسط کنشگران موجبات نظم و ترتیب در جمع را فراهم می‌نماید و به این ترتیب پیش‌بینی رفتار افراد را تا اندازه‌ای قابل ملاحظه‌ای می‌سازد» (چلبی، ۱۳۹۴: ۷۸). همچنین چلبی می‌افزاید: «انتظارات افراد از هم، توانایی افراد، نیازها و فرصت‌ها» چهار متغیری است که باعث شکل‌گیری مجموعه هنجاری می‌گردد (چلبی، ۱۳۹۴: ۷۷). از نظر چلبی هنجار اجتماعی دارای دو جنبه؛ اجتماعی (شامل انتظار اجتماعی که برای فرد تولید تعهد اجتماعی کند، تعهدی که خصلت اخلاقی-ارزشی دارد) و وجه فرهنگی (که صبغه مفهومی-شناختی دارد و حائز دلالت دستوری-جهت‌دهی است). هنجار اجتماعی در دو سطح شخصیت و روابط اجتماعی نقش تنظیمی خود را ایفا می‌کند (چلبی، ۱۳۷۵). در نخستین سطح، هنجار اجتماعی در فرایند جامعه پذیری (درونی کردن) با ترکیب تدریجی با نیازهای آلی انسان، شخصیت او را شکل می‌دهد و جهت اجتماعی رفع نیازها را مشخص می‌سازد. در سطح روابط اجتماعی، هنجار اجتماعی با ورود به پهنه روابط اجتماعی و به کارگیری مستمر آن‌ها، نهادینه می‌شود. علاوه براین، چلبی فهرستی از هنجارهای اجتماعی که صبغه اخلاقی دارد، به عنوان بسته هنجاری پایه در حوزه‌های چهارگانه جامعه کل تحت عنوان " **هنجارهای عام** " پیشنهاد می‌دهد. بسته هنجاری پایه (حداقل)، برای

تنظیم (نظارت درونی) روابط اجتماعی در حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه پیچیده امروزی است (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۲۲) و در این بسته هنجار صداقت زیر عنوان هنجارهای پایه‌ای عام بخش فرهنگی مطرح شده است.

چلبی در کتاب نظم اجتماعی (۱۳۷۵)، می‌نویسد همان‌گونه که نظم اجتماعی هم وسیله و هم هدف بهگشت اجتماعی است، خودمختاری و آزادی نیز تنها از طریق نظم ممکن می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۸۳). او در ارتباط با این مسأله سه وضعیت آرمانی را از هم جدا می‌کند. اول، وضعیت **ناهنجاری محض**، که فرد مجزا و مستقل از جمع نوعی نیازهای سیری ناپذیر دارد و در این وضعیت آنومی حاکم است. دوم وضعیتی که **دگرمختاری** (هیترونومی) است و در آن فرد کاملاً زیردست نیروهای اجتماعی و صاحبان قدرت است و در وضعیت خودمختاری (آنانومی)، فرد ضمن داشتن شخصیت منسجم و جدا در فرایند جامعه‌پذیری، واجد نوعی «**اخلاق مسئولیت**» می‌گردد و در جهت منافع فردی و جمعی به صورت خلاق و سازنده عمل می‌کند (همان، ۲۸۴). نظریه اخلاق مسئولیت در بطن نظریه نظم اجتماعی چلبی قرار دارد. نظریه نظم اجتماعی، رشد شخصیت اخلاقی در پرتوی از نظام عادل میسر می‌داند. نظریه نظم اجتماعی، تکثرگرایی، بردباری اجتماعی، و نائل آمدن به اجتماع کل را لازمه جامعه نیک می‌داند. چلبی برای تقویت «تعهد عام‌گرا» بر تقویت «انسجام اجتماعی کل» تأکید دارد. چلبی تصریح می‌کند که کم و کیف روابط عاطفی و آرایش آن‌ها در جامعه تا حد زیادی نظم اجتماعی و اخلاق اجتماعی را مشخص می‌کند. در صورتی که روابط گرم در جامعه به سردی و سستی کشیده شود، اعتماد اجتماعی و نظم هنجاری ضعیف می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۵۷) و در این وضعیت هنجارهای اجتماعی صبغه خاص گرا می‌یابد.

تحقق خودمختاری فردی و افزایش آزادی و استقلال مسلزم سه فرایند است که به یکدیگر وابسته اند و نوعی فرایند تدریجی در رخ دادن آن‌ها وجود دارد. نخست فرایند جامعه‌پذیری (درونی کردن)، دوم فرایند نهادینه‌سازی (روند کاهش اختلالات اجتماعی) و سوم فرایند تکوین جامعه‌مدنی (فرایند روابط انجمنی) (همان، ۲۸۴). جامعه‌پذیری و رشد شخصیت، ضمن تمایل به کنش روشمند و میل به مسئولیت شخصی یا اخلاق مسئولیت از عالی‌ترین تمایلات نظام شخصیت است که به شخص اجازه می‌دهد برای کسب موفقیت تلاش کند و محیط درونی و

بیرونی را کنترل نموده و نسبت به اجتماع تعلق عاطفی داشته باشد. رشد شخصیت پیشرفته برای همه افراد جامعه، لازم و ملزوم «فرایند توسعه» است. چلبی برای رشد شخصیت یک نظریه قیاسی حاوی چهار قضیه ارائه می‌دهد:

اگر محیط‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی بیشتر و متنوع‌تری درونی شوند، پس امکان رشد شخصیت بیشتر می‌گردد.

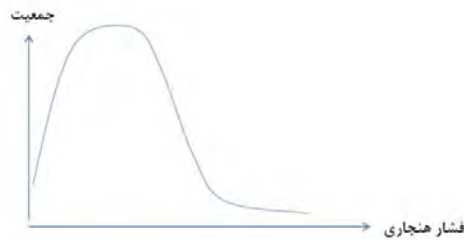
تحركات فردی در ابعاد تحرک فیزیکی، اقامتی، شغلی، موضعی و رابطه‌ای میسر باشند. فرصت‌های فردی در ابعاد امکان آموزشی، شغلی، سیاحتی، گروهی و مادی وجود داشته باشند. (که این قضیه به طور خاص ابعاد محرومیت را دربرمی‌گیرد.) جامعه کل از نوعی اجتماع عام بهره‌مند باشد و میزان اختلالات اجتماعی حداقل (یا در حال کاهش) باشد (همان، ۲۳۹).

همچنان که در این بخش به برخی از فرصت‌های (آموزشی، شغلی، سیاحتی، گروهی و مادی)، به عنوان یکی از زمینه‌های رشد شخصیت پیشرفته (با اخلاق مسئولیت)، توجه شده در این بخش با تکیه به این قضیه و توجه به ابعاد محرومیت، فضای مفهومی محرومیت بیشتر تشریح می‌شود. در توضیح این بخش با توجه به پنداشت چهاربُعدی از جامعه (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) و مفهوم چهار بُعدی از انسان (انسان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی)؛ چهار نوع فرصت (فرصت مادی، سیاسی، رابطه‌ای و فرهنگی) قابل تصور است. چلبی انسان را یک واحد زیستی- روانی- اجتماعی با ظرفیت اجرای منحصر به فرد می‌داند که او را از سایر موجودات جدا ساخته و دارای حداقل چهار غُلقه افضل شامل: غلقه مادی، امنیتی، اجتماعی (ارتباطی) و شناختی می‌باشد (چلبی، ۱۳۸۱: ۸۵).

منظور از فرصت در فضای چهارگانه، موقعیت‌هایی است که یک جامعه برای افرادش فراهم می‌کند. فرصت‌های اقتصادی (مادی) آنچه محیط درونی (مواهب زیستی-روانی) و محیط بیرونی (مواهب اقتصاد) در اختیار فرد قرار می‌دهد شغل و انواع ابزارهای مادی زندگی در مقوله مواهب اقتصادی قرار می‌گیرند. نبود آن‌ها به خصوص بیکاری (فقدان شغل) نوعی محرومیت ایجاد می‌کند. فرصت‌های سیاسی که شامل امنیت است در بُعد عینی فراغت از تهدید و در بُعد ذهنی احساس آرامش و عدم احساس ترس از سوی محیط‌های دور و نزدیک برای فرد است که

شامل انواع امنیت جانی، مالی، فکری و جمعی است (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۰۷). اما فرصت‌های اجتماعی امکان برقراری رابطه اجتماعی در سه سطح اولیه (خانواده)، رسمی («ما» ی شغلی) و انجمنی را فراهم می‌آورند. فرصت فرهنگی نیز به معنای فرصت تفکر، تجربه، یادگیری و یاددادن است و محرومیت از هریک منجر به رفتارهای تقلیدی، تعصبی و خرابی می‌شود (همان، ۱۱۷). بنابراین باتوجه به نظریه موجود (و چهار نوع خرده نظام)، چهار بُعد از محرومیت قابل تصور است که این چهار بُعد زمینه شاخص‌سازی و سنجش را فراهم می‌سازد. بُعد اقتصادی محرومیت شامل مواردی چون عدم دسترسی به درآمد، آموزش، غذا، پوشاک و غیره است. در بخش محرومیت سیاسی شامل فقدان امنیت است، در بخش اجتماعی شامل عدم دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و حمایت اجتماعی و غیره و در بُعد محرومیت فرهنگی شامل عدم دسترسی به اطلاعات و سایر موارد است.

اما در مورد پیش شرط دیگر آزادی و خودمختاری نسبی، در فرایند تکوین جامعه مدنی نیز نوعی شهروندی فعال شکل می‌گیرد. در جامعه مدنی انجمن‌های داوطلبانه در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در فرایند کاهش اختلالات در جامعه نقش محوری دارند. مقصود چلبی از اختلالات اجتماعی، چهار نوع اختلال توزیعی، هنجاری، نمادی و رابطه‌ای است که با توجه به اینکه در این پژوهش هنجار اجتماعی صداقت انتخاب شده است، اختلال هنجاری و انواع آن تبیین می‌شود. اختلال هنجاری تقریباً معادل «آنومی اجتماعی» دورکیم است و در پنج شکل مختلف چلبی به آن می‌پردازد. یکی قطبی شدن هنجاری است دومی تضاد هنجار است. سومی ناپایداری هنجاری یا تناقض منطقی هنجاری است. چهارمی ضعف هنجاری یعنی رکود در علائق اجتماعی و تعهد نسبت به قواعد اجتماعی است؛ و بالاخره پنجمین شکل اختلال هنجاری، بی هنجاری یا فقدان قواعد هنجاری برای بعضی امور است. نوع چهارم اختلال در هنجار (هنجار صداقت) یعنی ضعف هنجاری در جامعه که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، «نقصان غلقه اجتماعی و تعهد نسبت به هنجار در میان اکثریت افراد جامعه است». فراوانی چنین هنجاری دارای چولگی مثبت است، یعنی نمای فشار هنجاری (NP¹) کوچک‌تر از میانگین فشار هنجاری است (شکل شماره ۱). (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۱۸).



شکل شماره ۱. وضعیت ضعف هنجاری

در مورد سنجش هنجارها؛ چلبی در کتاب «چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، به سنجش فشار هنجاری (فردی و اجتماعی) یعنی میزان فشار هر هنجار نسبت به هر کنشگر (اعم از فرد و جمع) و از هر سطحی (اعم از فردی و خرد تا سطح کل جامعه) می‌پردازد. مثلاً در مورد یک هنجار خاص صداقت، منظور از فشار هنجار ذهنی (PN)، میزان فشار وجدان فرد چقدر است و منظور از (PNg)، تا چه شعاعی و با چه شدتی این هنجار مشمول حال دیگران تعمیم یافته در حریم اخلاقی شخص در جامعه می‌شود (چلبی، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۵). بر این اساس شدت هر هنجار شامل باور به هنجار، احساس فشار جهت اجرای آن هنجار و آمادگی برای اجرای هنجار است. احساس فشار هنجاری به معنای تصور فرد از انتظار دیگران در مورد آن قاعده اجتماعی و انتظار پیامدهای اجرا یا عدم اجرای آن هنجار از سوی کنشگر است. این احساس با دو معرف ارزیابی فرد از انتظار دیگران و پیامدهای محتمل (تشویق یا توبیخ) در صورت اجرا یا عدم اجرای آن هنجار قابل سنجش است. بنابراین در این پژوهش نیز شدت هنجار صداقت یعنی باور به هنجار و آمادگی برای رعایت هنجار (در شعاع عام‌گرا-خاص‌گرا) مطرح می‌گردد. نکته مهم در مورد رعایت هنجارها، توجه به نوع سوءگیری ارزشی آن‌ها (خاص‌گرایی یا عام‌گرایی) و صبغه ارزش اخلاقی است که در واقع مربوط به «خواص هنجار» است.

چلبی در مورد اثر محرومیت اجتماعی بر ارزش‌ها و هنجارها، می‌نویسد: «اگر نابرابری‌های اجتماعی در عرضه‌های چهارگانه جامعه موجب طرد و محرومیت اقشار مختلف جامعه (هریک به نوعی) شود، مانع همکاری اجتماعی و اعتماد اجتماعی، و سرانجام مخل نظم اجتماعی

مشارکتی می‌شود» (چلبی، ۱۳۹۴: ۸۶). بعضی از هنجارهای عمومی شامل، هنجارهای صداقت، انصاف، صرفه‌جویی، حقیقت‌جویی، امانت‌داری، همکاری و موارد دیگر هستند. در میان هنجارهای مزبور هنجار بده بستان متوازن، رابطه وثیقی با مبادلات اجتماعی و توزیع منابع ارزشمند در جامعه دارد. چنانچه مبادله اجتماعی در روابط نابرابر (نامتقارن) سرد صورت گیرد، امکان رعایت هنجار مزبور تقریباً نامیسر است و این باعث نوعی «استثمار» توسط فرد فرادست نسبت به فرودست می‌شود و بالعکس (چلبی، ۱۳۷۵). به طور ویژه در مورد هنجار صداقت در جامعه چلبی از چهار نیاز اجتماعی (ضروریات اجتماعی)، برای وجود هنجارها شامل «همزیستی مسالمت آمیز (صلح)، همکاری (هم‌افزایی)، هم‌فهمی و همفکری (فهم متقابل) و هماهنگی (هم‌گامی یا هم‌نواپی)» نام می‌برد که «همکاری، هماهنگی و هم‌فهمی، هر سه محتاج اطلاعات صحیح و مشترک هستند و این ضرورت اجتماعی موجب شکل‌گیری هنجار صداقت می‌شود» (چلبی، ۱۳۹۴: ۸۵). نکته مهم که در مورد رابطه محرومیت و هنجار باید توجه کرد، «وجود محرومیت و کم‌یابی (از هرنوع) می‌تواند هم بر تعداد هنجارهای اجتماعی بیفزاید و هم موجب شود تا هنجارهای اجتماعی به نحوی دچار جانب‌داری خاص‌گرایانه (از هرنوع مثل قومی، جنسی، طبقاتی و غیره) گردند» (همان، ۸۷).

محرومیت و (کم‌یابی) در جامعه ← جهت‌گیری خاص گرایانه هنجارها

روش پژوهش

با توجه به پرسش اصلی پژوهش، بررسی اثر محرومیت‌های اجتماعی بر هنجار صداقت، این پژوهش از راهبرد موردپژوهی چندگانه بهره برده است. جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر پیمایش (با تکنیک پرسش‌نامه) بوده است. از آنجایی که در این پژوهش بررسی محرومیت مدنظر بوده، به منظور بهره‌گیری از اقشاری از جامعه که تجربه محرومیت را دارند، از جدول منزلت‌شغلی چلبی بهره برده‌ایم^۱. بنابر سنخ‌شناسی چلبی (۱۳۷۵)، شانزده موضع اجتماعی در نظام قشربندی وجود

۱ انتخاب یک نظریه قشربندی جهت سنجش موارد علاوه بر نفع روش‌شناختی، به دلیل اهمیت زیاد انتخاب موارد دقیق در موردپژوهی است.

دارد که در جدول شماره ۲، شانزده موضع اجتماعی به تفکیک حوزه‌ها و با مثالی از گروه‌های شغلی ذکر شده است. «موضع یا پایگاه اجتماعی» مکان امکانات و مضایق در شبکه فرصت‌هاست و دارای چهار بُعد محوری شامل: «۱- رتبه اجتماعی (میزان دسترسی به منابع ارزشمند اقتصادی، سازمانی، اعتبار اجتماعی و فرهنگی)، ۲- ذهنیت موضعی (ابعاد معرفتی وابسته به موضع اجتماعی)، ۳- سرمایه اجتماعی (گزینه‌های رابطه‌ای موضع اجتماعی)، ۴- نقش اجتماعی (مجموعه قواعد و انتظارات اخلاقی، اجتماعی و رویه‌ایست برای انجام کارهای خاص)» می‌باشد (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۷۰). در بحث از نقش‌های اجتماعی، آن‌ها را در ارتباط با چهار حوزه^۱ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، به‌صورت افقی به چهار نوع (تفکیک افقی نقش‌ها) «نقش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی» و براساس «میزان مصرف انرژی و اطلاعات» به‌صورت (تفکیک عمودی نقش‌ها) «نقش‌های راهبری، بانفوذ، کمکی، عادی» تقسیم می‌کند.

جدول شماره ۲. مواضع اجتماعی شانزده‌گانه (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۷۲-۱۷۵)

موضع راهبردی:	حوزه اقتصادی:	حوزه سیاسی:	حوزه اجتماعی:	حوزه فرهنگی:
شیوه تولید مادی و توزیع آن عمده است.	در این حوزه شیوه تولید قدرت و سیاحت عمده است.	مختلف (احساس یهودی، رشایت، دوستی و آراش) عمده است.	در این حوزه شیوه تولید و انتقال فکر عمده است.	
وظایف: تسبیح نمادی، برنامه‌ریزی، معیار سازی و تعیین هدف مصادیق تجربی: برنامه‌ریزان اقتصادی، صاحبان سرمایه، مدیران بنگاه‌های بزرگ اقتصادی (اعم از خصوصی، دولتی و اجتماعی).	وظایف: تسبیح نمادی، برنامه‌ریزی، جهت‌دهی، معیار سازی و تعیین هدف جهت تولید و سیاحت قدرت، مصادیق تجربی: برنامه‌ریزان سیاسی و نظامی، دولتمردان، قانون‌گذاران، مسئولین قوه قضائیه، امرآ و فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی.	وظایف: تسبیح نمادی، برنامه‌ریزی، جهت‌دهی، معیار سازی و تعیین هدف جهت تولید و سیاحت قدرت، مصادیق تجربی: برنامه‌ریزان اجتماعی، رهبران احزاب، رهبران اتحادیه‌های کارگری، مدیران بنیادهای خیریه، مدیران انجمن‌های مذهبی و هنری و مدیران سازمان‌های بهداشتی.	وظایف: تسبیح نمادی، برنامه‌ریزی، معیار سازی و تعیین هدف جهت تولید و انتقال فکر و تفکیر، مصادیق تجربی: مدیران و مسئولین مطبوعات و ارتباطات جمعی، مدیران مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهش‌های بنیادی و غیره.	
وظایف: برنامه‌ریزی روزمره و تعاریف عملیاتی اهداف تولید برای کنترل اجتماعی و تولید منابع مادی مصادیق تجربی: مدیران اجرایی شامل مدیران تولید، فروش و غیره.	وظایف: کنترل و هماهنگی اجتماعی منابع قدرت، مصادیق تجربی: مدیران کل قوه مجریه، افسران ارشد قشات و غیره.	وظایف: فعال کردن تعهد و مشارکت در تولید احساس جانش، مصادیق تجربی: روحانیون، هنرمندان، پزشکان، روان‌پزشکان، سیاستمداران و غیره.	وظایف: تسبیح نمادی، برنامه‌ریزی، معیار سازی و تعیین هدف جهت تولید و انتقال فکر و تفکیر، مصادیق تجربی: مدیران و مسئولین مطبوعات و ارتباطات جمعی، مدیران مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهش‌های بنیادی و غیره.	
وظایف: مباشرت بیرونی و آبی در حفظ و نگهداری منابع و چگونگی به کارگیری در تولید و توزیع مصادیق تجربی: تکنسین‌ها، سرکارگران، استادکاران، و...	وظایف: نظارت بیرونی و آبی سیاسی، مصادیق تجربی: مدیران اجرایی افسران نظامی و انتظامی، دادیاران و غیره.	وظایف: کنترل بیرونی و آبی احساس و تعهد، مصادیق تجربی: دلالان سیاسی، مددکاران اجتماعی، بهیاران، سرپرستان، موعظه‌گران محلی و غیره.	وظایف: انتقال و تلقین فکری مصادیق تجربی: مدیران و دبیران مدارس متوسطه و غیره.	
وظایف: تولید کالا و تبدیل انرژی آزاد به انرژی مهار شده مصادیق تجربی: کارگران صنعتی، کارگران کشاورزی، کارگران خدمات.	وظایف: تولید زور و قدرت، مصادیق تجربی: سربازان، پاسبانان، پاسداران، خدمه و مستخدمین جزء.	وظایف: مشارکت مستقیم در تولید انرژی عاطفی، مصادیق تجربی: کمک بهیاران، مبلغین سیاسی، مجریان مناسک مذهبی و غیره.	وظایف: انتقال و نشر دانش‌های اولیه مصادیق تجربی: مدیران و معلمان مدارس ابتدایی و غیره.	

دلیل روش‌شناختی انتخاب شاغلین، این است که «شغل» مناسب‌ترین متغیر برای قشربندی در ایران است. در موردپژوهی موضوع مهم، «تعمیم تحلیلی» است که در مقابل تعمیم آماری قرار می‌گیرد و نظریه‌ای که قبلاً ساخته شده (در اینجا نظریه قشربندی چلبی)، حکم‌الگوی را دارد که نتایج پژوهش با آن مقایسه می‌شود (کی‌یین، ۱۳۷۸: ۴۲). جامعه آماری این پژوهش افراد طبقات متوسط، متوسط رو به پایین و پایین بوده‌اند (منظور از طبقه در این بخش طبقات در معنای نئودورکیمی و مقصود گروه‌های کاری^۱ است) که در یکی از مشاغل ۱۲ گانه موضع بانفوذ، کمکی و عادی و در یکی از حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته باشند. داشتن شغل برای افراد الزام اولیه بوده است و می‌بایست افراد در طبقات بالا (موضع راهبردی) نباشند تا حداقلی از وضعیت محرومیت در نظر گرفته شود. همچنین به منظور مقایسه، گروه‌های شغلی از شهر تهران و استان گیلان^۲ خواهند بود و نوع نمونه‌گیری نظری و از هر یک از مشاغل به تعداد تقریباً برابر (حدود ۳۰ نفر) مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.^۳

جدول شماره ۳. انتخاب مشاغل جهت نمونه پژوهش

مواضع/حوزه	حوزه اقتصادی	حوزه سیاسی	حوزه اجتماعی	حوزه فرهنگی
مواضع عادی	کارگران صنعتی	افسر (پاسبان)	بهیار	معلمان (مقطع ابتدایی)
مواضع کمکی	کارمند بانک	نظامی درجه‌دار	پرستار بیمارستان	دبیران (مقطع متوسطه)
مواضع بانفوذ	کارشناس ارشد در شرکت‌های خصوصی یا دولتی	وکیل	پزشکان عمومی	استاد دانشگاه (سابقه ۱۵ سال اول)

مشاغل کارگر صنعتی، کارمند بانک، کارشناس ارشد در شرکت‌های دولتی یا خصوصی، پاسبان نیروی انتظامی، نظامی درجه‌دار، وکیل، بهیار، پرستار بیمارستان، پزشک عمومی، معلم،

1 working group

^۲ استان گیلان بر مبنای اکثر تحلیل‌های ترکیبی جز استان‌های با درجه متوسط در توسعه یافتگی است (عبداله زاده و همکار، ۱۳۹۱ و پوراصغر و همکاران، ۱۳۹۱).

^۳ زمان انجام پژوهش از زمستان ۱۳۹۸ تا بهار سال ۱۳۹۹ (به مدت سه ماه)

دبیر (متوسطه) و استاد دانشگاه (کم سابقه) انتخاب شدند که در جدول شماره ۳. به تفکیک حوزه و موضع شغلی نشان داده شده است.^۱

با توجه به توضیحات بخش نظری، ابعاد و معرف‌های محرومیت‌های اجتماعی و هنجار صداقت مشخص گردید (جدول شماره ۴). سنجش مفاهیم از طریق معرف‌سازی (با مراجعه به پرسشنامه‌های استاندارد و گویه‌های محقق ساخته) و طرح پرسش‌های (اغلب ترتیبی و از نوع طیف لیکرت) انجام شد. به طور کلی اعتبار سازه؛ تعیین اندازه‌های عملیاتی صحیح برای مفاهیم مورد تحقیق و استفاده از منابع متعدد در گردآوری داده‌ها به خصوص در بخش پیمایش مدنظر بوده است. در بخش مقدماتی، ضمن مصاحبه با تعداد ۳۴ نفر از شاغلین، اعتبار و پایایی سنجه‌های مورد نظر و به خصوص ابعادی از محرومیت (که مورد تاکید گروه‌های شغلی است) بررسی گردید. جدول زیر نتایج حاصل از اعتبار و پایایی متغیرهای بخش پیمایش را به انضمام معرف‌های اصلی نشان می‌دهد. تمامی ضرایب شاخص‌ها^۲ بیش از ۰,۷۰ (قابل اعتماد) می‌باشد بنابراین جهت مقیاس‌سازی مناسب تشخیص داده شدند.

جدول شماره ۴. تحلیل عاملی و ضریب اعتبار محرومیت‌ها و هنجار صداقت

شاخص	معرف‌ها	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ	شاخص kmo	معنی داری تحلیل عاملی (Chi-Square)
محرومیت اقتصادی	عدم دسترسی به خوراک (قدرت خرید اقلام اساسی - میوه‌ها و سبزی‌ها، نان و برنج، تخم‌مرغ و شیر و لبنیات و مرغ و گوشت و ماهی، دسترسی به مواد غذایی سالم وآب) پوشاک (متناسب با فصول گرم و سرد سال) درآمد، اشتغال، مسکن، بهداشت، رفاه ، تفریح (مسافرت)، دسترسی (حمل و نقل)	۲۵	۰,۸۸	۰,۹۰۶	۰,۰۰۰ (۲۸۲۵,۷۵۸)

۱در نمونه‌گیری در شهر تهران نمونه‌ها از مناطق دو و سه از شمال (معرف پایگاه‌های متوسط رو بالا)، مناطق چهار، پنج، شش و ۱۲ از مرکز (معرف پایگاه طبقاتی متوسط) و مناطق ۱۶ و ۱۹ از جنوب (معرف پایگاه طبقاتی پایین) انتخاب شدند. از استان گیلان، مشاغل از سه شهرستان رشت (مرکز استان، با تنوعی از جمعیت و طبقات اقتصادی - اجتماعی)، شهرستان صومعه‌سرا (از غرب استان گیلان) و شهرستان لاهیجان (از شرق استان گیلان) انتخاب گردید.

۲به منظور پرهیز از افزایش حجم مقاله توضیحات تکمیلی شاخص‌سازی در متن اصلی رساله قابل دسترسی است.

ادامه جدول شماره ۴. تحلیل عاملی و ضریب اعتبار محرومیت‌ها و هنجار صداقت

شاخص	مُعرف ها	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ	شاخص kmo	معنی داری تحلیل عاملی (Chi-Square)
محرومیت سیاسی	احساس عدم امنیت جانی (عدم حفاظت جانی فرد در برابر تهدیدات) احساس عدم امنیت مالی (احساس ثابت فرد در عدم توانایی مالی رفع نیازها) احساس عدم امنیت فکری (احساس تهدید فرد توسط کنشگر فردی یا سازمانی) و احساس عدم امنیت شغلی (احساس بی‌ثباتی و اطمینان در شغل)	۵	۰,۷۸	۰,۷۰	۰,۰۰۰ (۲۳۸,۲۸۸)
محرومیت اجتماعی	عدم دسترسی به شبکه روابط اجتماعی (شامل روابط اولیه: با خانواده و دوستان) و روابط رسمی (با گروه‌ها و انجمن‌های اجتماعی) عدم اعتماد اجتماعی (شک و تردید به نیت و رفتارهای افراد و ساختار جامعه-رز و میروفسکی ۲۰۰۹، ۵۲. شامل اعتماد به اعضای خانواده، به مشاغل و دولت) انزوای اجتماعی (جدایی و عدم تعلق با افراد و جامعه) و احساس تحقیر (خداشه دار کردن غرور و ایجاد رنجش در فرد-در خانواده، در محیط کار و سازمان‌های دولتی) عدم حمایت اجتماعی (عدم برخورداری از محبت، مراقبت، کمک و توجه دیگران: دوست و خانواده-همان، ۵۲-۵۳)	۲۶	۰,۸۶	۰,۸۳	۰,۰۰۰ (۲۵۰۷,۴۸۳)
محرومیت فرهنگی	عدم دسترسی به اطلاعات (شامل اینترنت، کتاب، رسانه‌ها و برنامه‌های فرهنگی و هنری) کمبود فرصت‌های آموزشی (شامل مدرسه و دانشگاه، برای خود فرد، برای فرزندان و تحصیلات مادر)	۶	۰,۷۷	۰,۷۵	۰,۰۰۰ (۳۶۶,۵۶۸)
هنجار صداقت	شدت هنجار (تصور از رعایت هنجار در جامعه و آمادگی رعایت هنجار)	۱۳	۰,۷۱	۰,۸۳	۰,۰۰۰ (۱۴۳۹,۴۰۵)

یافته‌های پژوهش

نمونه این پژوهش شامل ۳۸۱ نفر از ۱۲ گروه شغلی هستند که میانگین سنی آن‌ها ۳۶,۲۰ و بیشترین سن تکرار شده (مُد یا نما) ۳۵ سال بوده است و ۵۴,۶ درصد از اعضای نمونه مردان بوده‌اند که بیش از ۷۰ درصد آنان متأهل بوده‌اند و پاسخ‌گویان به ترتیب از قومیت‌های فارس، گیلک، ترک، لر، کرد، عرب و سایر بوده‌اند. همچنین به دلیل رعایت شدن تنوع منطقه جغرافیایی، داده‌ها به ترتیب از تهران و شهرستان‌های استان گیلان (سه شهرستان رشت، لاهیجان، صومعه‌سرا) جمع‌آوری شده است.^۱ جدول شماره ۵. تعداد فراوانی افراد از ۱۲ نوع شغل (سه موضع عادی، کمکی و بانفوذ) را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵. تعداد افراد نمونه از مشاغل مختلف به تفکیک شهر

طبقه اجتماعی و موضع	مشاغل	تهران	شهرستان‌های استان گیلان	فراوانی کل	درصد
پایین موضع عادی	کارگر (صنعتی)	۱۰	۲۱	۳۱	۸,۲
	افسر (پاسبان)	۲۰	۸	۲۸	۷,۴
	بهبیار	۱۵	۱۶	۳۱	۸,۲
	معلم (مقطع ابتدایی)	۲۴	۱۰	۳۴	۸,۲
متوسط موضع کمکی	کارمند (کارشناس بانک)	۲۱	۱۱	۳۲	۸,۵
	سروان (درجه دار)	۱۹	۸	۲۷	۷,۲
	پرستار (بیمارستان)	۱۷	۱۶	۳۳	۸,۸
	دبیر (متوسطه)	۲۱	۱۲	۳۳	۸,۵
متوسط رو به بالا موضع با نفوذ	کارشناس ارشد (در شرکت‌های دولتی یا خصوصی)	۳۱	۱۰	۴۱	۱۰,۹
	وکیل	۲۲	۱۰	۳۲	۸,۵
	پزشک عمومی	۱۹	۱۰	۲۹	۷,۷
	استاد دانشگاه (کم سابقه)	۲۰	۱۰	۳۰	۸
کل		۲۳۹	۱۴۲	۳۸۱	۱۰۰

۱ کارگران از پنج شرکت خصوصی و دولتی، کارمندان از بانک‌های دولتی و چهار بانک خصوصی، کارشناسان ارشد از بخش‌های شهرداری و سازمان ثبت اسناد و شرکت‌های خصوصی، «پاسبان (افسر) و نظامیان درجه‌دار نیروی انتظامی» از بخش ناجا (نیروی انتظامی جمهوری اسلامی)، وکلای پایه یک دادگستری از وکلای دارای پروانه وکالت، «بهبیاران، پرستاران و پزشکان عمومی (فاقد تخصص)» از بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های خصوصی و دولتی، «معلمان مقطع ابتدایی و دبیران مقطع متوسطه» از مدارس دولتی و خصوصی و همچنین اساتید دانشگاه‌های از دانشگاه‌های زیر نظر وزارت علوم و تحقیقات (از جمله دانشگاه فرهنگیان، آزاد اسلامی، گیلان و...) در این پژوهش انتخاب گردیدند.

توصیف و مقایسه انواع محرومیت در بین موارد پژوهش:

محرومیت در چهار بخش متصور می‌گردد و وضعیت انواع محرومیت در بین گروه‌های شغلی با استعانت از آزمون‌های آماری تشریح می‌شود و علاوه بر توصیف، نمونه‌های مورد مطالعه مقایسه می‌شود.

الف) میزان محرومیت اقتصادی: به جهت سنجش محرومیت اقتصادی پرسش‌هایی در مورد وضعیت دسترسی به خوراک، پوشاک (متناسب با فصل)، درآمد، مسکن (و امکانات داخل مسکن)، بهداشت (محیط کار)، تفریح و رفاه (از جمله مسافرت) و حمل و نقل (اتومبیل) مطرح شد. مقصود از دسترسی به خوراک قدرت خرید اقلام اساسی، (از جمله گروه غلات: نان و برنج، گروه لبنیات و تخم مرغ، گروه پروتئین: گوشت، مرغ و ماهی) است که نتایج نشان می‌دهد بیش از ۲۳ درصد از شاغلین در خرید گوشت، مرغ و ماهی قدرت خرید «بسیار ضعیف» (اصلاً و کم) دارند. همچنین از بین گروه‌های شغلی، بیش از ۳۰ درصد از شاغلان گروه کارگران صنعتی در خرید نان و برنج و تخم مرغ و لبنیات قدرت خرید «کم» دارند. یکی از پرسش‌های مهم در سنجش محرومیت اقتصادی این است که «آیا در مجموع درآمدشان کفاف زندگی را خواهد داد؟» نتایج نشان می‌دهد که بیش از ۵۳ درصد گفتند «تاحدودی» درآمدشان کفایت می‌کند و ۲۸,۳ درصد نیز گفتند «کمی» کفایت می‌کند و بیش از هفت درصد نیز درآمدشان «اصلاً» (محرومیت تام) کفاف زندگی را نخواهد داد. از مجموع ۲۵ گویه شاخصی از محرومیت اقتصادی برای گروه‌های شغلی تهیه شده (در مقیاس صفر تا ۱۰۰) و به تفکیک ۱۲ گروه شغلی در نمودار شماره ۱. گزارش می‌شود (در نمودار فوق خط میانگین-خط چین نیز ترسیم شده است). همان‌گونه که پیداست کارگران صنعتی و سپس بهیاران در بیمارستان (مشاغل طبقه پایین و حوزه عادی) بیشترین میزان محرومیت اقتصادی را گزارش کردند و کمترین میزان میانگین در گروه‌های شغلی نظامی درجه‌دار و پاسبان بوده است. همچنین میانگین و میانه کل محرومیت اقتصادی نمونه به ترتیب ۴۲,۹۳ و ۴۳,۱۸ (در مقیاس صفر تا ۱۰۰) است.



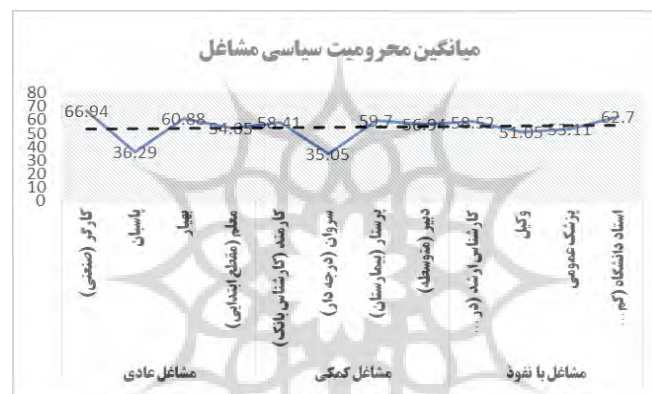
نمودار شماره ۱. میانگین محرومیت اقتصادی مشاغل

بررسی سه دسته مشاغل از نظر میانگین محرومیت اقتصادی نشان می‌دهد، به ترتیب مشاغل گروه عادی (کارگران صنعتی، پاسبان، بهیاران و معلمان ابتدایی)، سپس طبقه کمکی (کارمندان، نظامی‌های درجه‌دار نیروی انتظامی، پرستاران و دبیران) و سپس با نفوذ (کارشناسان ارشد، وکلا، پزشکان عمومی و اساتید دانشگاهی) بیشترین تا کمترین میزان محرومیت اقتصادی را داشتند. نتایج آزمون مقایسه میانگین‌های محرومیت‌های اقتصادی (آزمون LSD)، معناداری تفاوت محرومیت اقتصادی گروه‌های شغلی را نشان می‌دهد. به کمک آزمون تعقیبی شفه^۱ تفاوت طبقه عادی با کمکی و با طبقه بانفوذ از نظر میزان محرومیت اقتصادی تأیید شده است اما تفاوت طبقه کمکی با طبقه بانفوذ از نظر آزمون‌های آماری معنادار نمی‌باشد. نتایج تفاوت میزان محرومیت اقتصادی نشان می‌دهد مشاغل موضع عادی، ۱۱،۱۳ نمره بیشتر از مشاغل موضع کمکی محروم بوده و ۱۲،۵۷ نمره نیز از مشاغل موضع بانفوذ محروم‌تر هستند.

ب) **میزان محرومیت سیاسی:** شاخص محرومیت سیاسی از مجموع میزان احساس ناامنی جانی، مالی، فکری و شغلی گروه‌های شغلی بدست آمده است. ابتدا احساس ناامنی فکری گروه‌های شغلی (با دو گویه) سنجیده شده که میزان کلی آن ۶۶،۳۷ (در مقیاس صفر تا ۱۰۰)، می‌باشد. که بالاترین میزان احساس ناامنی در بین گروه‌های شغلی از آن کارگران صنعتی

1 Scheffe

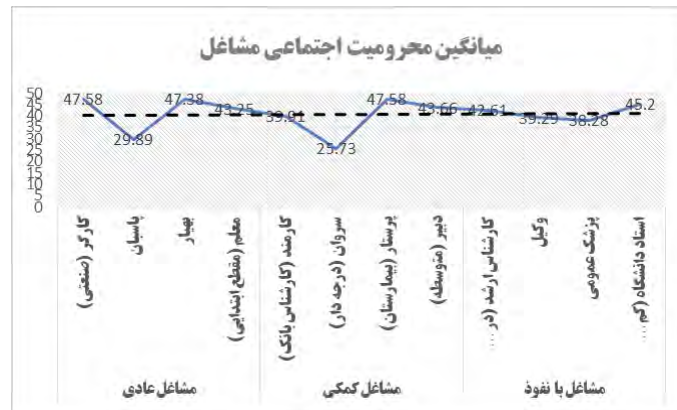
(۷۷,۷۵) و کم‌ترین آن در بین گروه شغلی پاسبان (افسر) (۳۹,۲۵) است. میانگین محرومیت سیاسی به تفکیک گروه‌های شغلی در نمودار شماره ۲. گزارش شده است (با رسم خط میانگین-خط چین). همچنین نتایج حاکی از آن است که میزان محرومیت سیاسی به طورقابل توجهی در میان تمام اقشار بالا است (به جز دو شغل پاسبان و نظامی‌های درجه‌دار نیروی انتظامی درکل، میانگین و میانه برای تمام مشاغل بالای ۵۰ است). کمترین میانگین گزارش شده مربوط به شغل نظامی درجه‌دار نیروی انتظامی (از مشاغل کمکی) بوده است و بیشترین میزان میانگین از آن کارگران صنعتی می‌باشد.



نمودار شماره ۲. میانگین محرومیت سیاسی مشاغل

به طور کلی میانگین محرومیت سیاسی ۵۴,۹۴ (در مقیاس صفر تا ۱۰۰) می‌باشد و هر سه گروه مشاغل عادی، کمکی و بانفوذ در ابعاد مختلف احساس عدم امنیت (مالی، جانی، فکری و شغلی) داشتند. هرچند نتایج آزمون مقایسه میانگین‌های محرومیت‌های سیاسی (آزمون LSD)، گروه‌های شغلی به طورکلی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند. اما در بررسی تفاوت محرومیت سیاسی در مواضع طبقاتی عادی، کمکی و بانفوذ تفاوت معناداری وجود ندارد (آزمون شفه).

ج) میزان محرومیت اجتماعی: محرومیت اجتماعی متشکل از ابعاد عدم حمایت اجتماعی، عدم اعتماد اجتماعی، احساس تحقیر اجتماعی، انزوای اجتماعی، عدم دسترسی به شبکه روابط اجتماعی و عدم احساس تعلق به کشور بوده است که در مجموع ۲۶ گویه می‌باشد. ترکیب ابعاد مختلف، شاخصی را می‌سازد که به تفکیک گروه‌های شغلی در نمودار شماره ۳ (در مقیاس صفر تا ۱۰۰) گزارش شده است.



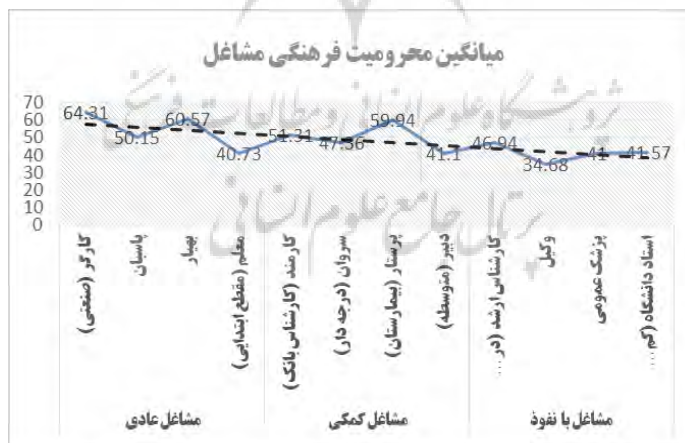
نمودار شماره ۳. میانگین محرومیت اجتماعی مشاغل

میانگین کل محرومیت اجتماعی (همه افراد)، ۴۱،۲۱ (در مقیاس صفر تا ۱۰۰) می‌باشد. کارگران، پرستاران و بهیاران بیمارستانی (از مشاغل حوزه اجتماعی) بیشترین میزان محرومیت اجتماعی و نظامیان درجه‌دار نیروی انتظامی کمترین میزان محرومیت را گزارش کرده‌اند. نتایج آزمون مقایسه میانگین‌های محرومیت‌های اجتماعی (آزمون LSD)، گروه‌های شغلی به طور کلی با یکدیگر تفاوت معناداری را نشان می‌دهد. اما در بررسی تفاوت محرومیت اجتماعی در مواضع طبقاتی عادی، کمکی و بانفوذ با یکدیگر تفاوت معناداری دیده نمی‌شود (آزمون شفه).

در مورد محرومیت اجتماعی، پنج بُعد «عدم حمایت اجتماعی، انزوای اجتماعی، احساس تحقیر (در محیط کار، دولتی و خانواده و عدم منزلت شغلی)، عدم دسترسی به شبکه روابط اجتماعی (میزان روابط، عضویت در انجمن‌ها و تمایل به مهاجرت)، عدم اعتماد اجتماعی (با خانواده و نهادهای دولتی)» مورد سنجش قرار گرفته است. در مورد گویه تمایل به مهاجرت نتایج نشان می‌دهد بیش از ۴۹،۲ درصد تمایل «زیاد و خیلی زیاد» به مهاجرت داشتند و تنها در بین مشاغل دو گروه پاسبان انتظامی و نظامی درجه‌دار تمایل به مهاجرت «کم و خیلی کم» بوده است. در بررسی میزان منزلت شغلی مورد تصور نیز «وکلا، کارمندان بانک و اساتید دانشگاه» بیشتر از بقیه مشاغل تصور می‌کردند مردم برای شغلشان ارزش قائل‌اند. در سنجش عدم اعتماد اجتماعی علاوه بر میزان اعتماد به خانواده و سازمان‌های دولتی، موضوع اعتماد به مشاغل مورد توجه بوده است. نخست اعتماد گروه اجتماعی به گروه خودی و سپس اعتماد به سایر گروه‌ها

مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد «معلمان، اساتید دانشگاهی و کارگران» از مورد اعتماد ترین و گروه شغلی «وکیل» از کم اعتماد ترین گروه‌ها هستند.

د) میزان محرومیت فرهنگی: محرومیت فرهنگی متشکل از ابعاد دسترسی به اطلاعات و امکانات آموزشی بوده است که در مجموع شش گویه می‌باشد. در این بخش برخورداری از امکانات آموزشی فرد، دسترسی به امکانات آموزشی فرزندش، تفاوت بین میزان تحصیلات فعلی و تحصیلات مورد انتظار و به منظور سنجش وضعیت سرمایه فرهنگی، «میزان تحصیلات مادر» نیز مورد پرسش قرار گرفته است. مراجعه به نمودار شماره ۴ و مقایسه آماره‌های محرومیت فرهنگی مشاغل نشان می‌دهد کمترین میزان آن مربوط به شاغلین در حرفه وکالت و بیشترین میزان محرومیت فرهنگی از کارگران صنعتی گزارش شده است. همچنین در مجموع میانگین محرومیت فرهنگی نمونه ۴۸,۳۱ بوده است. خط میانگین نیز به صورت خط چین ترسیم شده است و نشان می‌دهد چهار گروه شغلی وکیل، دبیر، نظامی درجه‌دار و پاسبان فقط کمتر از حد میانگین، محرومیت فرهنگی داشته‌اند. به‌طور کلی بازه محرومیت فرهنگی از عدد ۶۴,۳۱ تا ۳۴,۶۸ (در مقیاس صفر تا ۱۰۰) بوده است. به طور خاص در این سنجش، محرومیت از امکانات آموزشی مدرسه (خود فرد) بیشتر احساس می‌شد که در نسل فرزندان نیز تکرار شده و اکثر گروه‌های شغلی از امکانات تحصیلی فرزندان خود نارضایتی داشتند.



نمودار شماره ۴. میانگین محرومیت فرهنگی مشاغل

نتایج آزمون مقایسه میانگین‌های محرومیت‌های فرهنگی (آزمون LSD)، معناداری تفاوت محرومیت فرهنگی گروه‌های شغلی را نشان می‌دهد. به کمک آزمون تعقیبی شفه تفاوت طبقه عادی با طبقه بانفوذ و طبقه کمکی با طبقه بانفوذ از نظر میزان محرومیت فرهنگی تأیید شده است اما تفاوت طبقه عادی با طبقه کمکی از نظر آزمون‌های آماری معنادار نمی‌باشد. از نظر تفاوت میزان محرومیت فرهنگی مشاغل موضع عادی، ۹,۵۷ نمره بیشتر از مشاغل موضع بانفوذ محروم بوده و مشاغل کمکی نیز در محرومیت فرهنگی ۶,۵۸ نمره محروم‌تر از مشاغل موضع بانفوذ است.

در بخش مقایسه میانگین‌ها مشخص شد، گروه شغلی کارگر صنعتی در هر چهار نوع محرومیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بیشترین میزان محرومیت را متحمل می‌شوند (نمره حداکثر ۱۰۰ در این گروه بیشتر مشاهده شده) و سپس میانگین گروه شغلی بهیاران بیمارستانی در بخش محرومیت اقتصادی و اجتماعی و پرستاران بیمارستانی محرومیت اجتماعی زیاده‌تری نسبت به سایر مشاغل داشتند. در تبیین این موضوع باید گفت گروه شغلی کارگران صنعتی سقف حقوق دریافتی بسیار پایینی دارند و علاوه بر آن امنیت شغلی نیز ندارند و با توجه به خط فقر، بسیاری از آن‌ها در نوعی فقر مطلق و محرومیت تام بسر می‌برند.

نگاهی به آمارهای جهانی نیز نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های رفاهی وضعیت کشور ایران جایگاه چندان مطلوبی ندارد. موسسه لگاتوم «شاخص رفاه»^۱ را در کشورهای جهان بر اساس سه محور (جوامع فراگیر، اقتصادهای باز و ملت توانمند) و ۱۲ شاخص (ایمنی و امنیت، آزادی شخصی، حکمرانی، سرمایه اجتماعی، محیط سرمایه گذاری، شرایط بنگاه‌ها، دسترسی به بازار و زیرساخت، کیفیت اقتصاد، شرایط زندگی، سلامت، آموزش و محیط طبیعی) محاسبه می‌کند. براساس آمارهای سال ۲۰۱۹، شاخص رفاه ایران نه تنها از اقتصادهای توسعه‌یافته بلکه از بسیاری از کشورها (همچون ارمنستان، ترکیه، اوکراین و سایرین) نیز پایین‌تر است. وضعیت شاخص پیشرفت اجتماعی^۲ (در سال ۲۰۱۹) نیز نشان می‌دهد ایران در مقایسه با کشورهای جهان با رقم ۶۵,۱۵ (در بازه امتیاز صفر تا ۱۰۰) و با رتبه ۸۶ (از بین ۱۴۹ کشور) قرار گرفته

1 welfare legatum index

2 Social Progress Imperative

است. این شاخص درواقع میزان رفاه و سلامت در کشورها را نشان می‌دهد. شاخص‌های ایران از نظر دستیابی به نیازهای اساسی انسانی (امتیاز ۸۱,۵۸)، دسترسی به آموزش و دانش اولیه (امتیاز ۶۹,۵۱)، سلامت و رفاه (امتیاز ۶۴,۰۷)، مسکن و سرپناه (امتیاز ۸۹,۱۷) و امنیت فردی (۴۹,۳۱) بوده است. این شاخص به خصوص نشانه محرومیت اقتصادی می‌باشد.

براساس داده‌های مرکز آمار ایران (سال ۱۳۹۸) نیز، نرخ تورم ۴۱ درصد و نرخ بیکاری ۱۰,۵ درصد می‌باشد. مجموع این دو نرخ شاخص فلاکت^۱ را می‌سازد. وضعیت کشور ایران در شاخص فلاکت، در جایگاه نازل سوم جهانی قرار دارد (براساس داده‌های سال ۲۰۱۹). نتایج گزارش مرکز پژوهش مجلس (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که خط فقر به بالاترین درصد خود رسیده است و مجموع افراد زیرخط فقر در سال ۱۳۹۷، حدود ۱۸,۴ درصد بوده است که تا کنون رشد داشته است. از جمله دلایل آن می‌توان به افزایش تورم در سال ۱۳۹۸ و کاهش نرخ درآمد سرانه اشاره کرد. میزان ضریب جینی که از شاخص‌های سنجش نابرابری در آمد در جامعه است نیز بر مبنای آخرین سرشماری کشور (۱۳۹۵)، ۰,۴۰۴۵ واحد بوده است. اما موضوع قابل ذکر بعدی حذف برخی از دهک‌های جمعیتی از جامعه می‌باشد که منجر شده دهک‌های متوسط درآمدی (دهک‌های ۴، ۵ و ۶ و ۷) از بین برود. در مجموع با بررسی آمارهای ملی و توجه به رتبه جهانی کشور ایران باید گفت هرچند از نظر برخی از شاخص‌های درآمدی در کشور «رشد» وجود داشته است اما هر نوع افزایش درآمدی نویددهنده‌ی کاهش محرومیت‌ها نخواهد بود و علاوه براین، در بررسی آمارهای جهانی؛ نوعی «توسعه نامتوازن» در کشور آشکار خواهد شد که علی‌رغم بهبود برخی از شاخص‌ها، ناهماهنگی بین بخش‌ها و ناهماهنگی در دستیابی به امکانات و خدمات وجود دارد که خود تعادل سیستم (کشور) را مختل می‌کند و بر نابرابری و محرومیت نسبی (مقایسه اجتماعی) دامن می‌زند.

هـ) **وضعیت هنجار صداقت:** هنجار صداقت که یکی از هنجارهای اجتماعی (با صبغه اخلاقی) است در این پژوهش با ۱۳ گویه سنجیده شده است، یکی از ابعاد هنجار صداقت این است که به نظر افراد نمونه پژوهش، مردم جامعه تا چه حد به هنجار صداقت پای‌بند هستند (رعایت می‌کنند)، دوم اینکه افراد نمونه با افراد جامعه صادق هستند (شعاع رعایت عام‌گرا یا

«اصلاً» هنجار صداقت در جامعه رعایت نمی‌گردد و ۴۷,۵ درصد میزان هنجار صداقت در جامعه را «کم» می‌دانند و ۳۷ درصد میزان «متوسط» و تنها حدود سه درصد میزان آن را «زیاد و خیلی زیاد» می‌دانند.

پرسش بعدی پژوهش این است که افراد نمونه تا چه شعاعی (افق هنجاری) آمادگی انجام هنجار صداقت را دارند (گرایش عام گرا یا خاص گرا). نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که به ترتیب هنجار صداقت در شعاع همسران، والدین (و اعضای نزدیک خانواده)، دوستان، همسایگان، همکاران و اعضای جامعه اجرایی می‌شود. در ارتباط با رعایت صداقت «در همه مواقع»، پاسخ‌ها محدود به دو گروه همسر، والدین و اعضای خانواده است که نشان دهنده گرایش خاص‌گرا می‌باشند. در پاسخ به این سوال که با همسایگان، همکاران و افراد جامعه در چه مواقعی صادق هستید، بیش از ۶۵ درصد پاسخ‌ها «صداقت در برخی از مواقع» بوده است و حتی حدود ۱۰ درصد نیز معتقدند با همسایگان و افراد جامعه هرگز صادق نخواهند بود. «دوستان، همکاران، همسایگان و همه افراد جامعه» نشانه عام‌گرایی در رعایت هنجارها می‌باشند بیشتر پاسخ در طیف «برخی از مواقع» تجمع کرده است.

جدول شماره ۶. شعاع رعایت هنجار صداقت

شعاع رعایت هنجار		هرگز	برخی از مواقع	همه مواقع	بی پاسخ	درصد
خاص گرای	صداقت با همسر	۰,۸	۱۷,۵	۷۸	۳,۷	۱۰۰
	صداقت با پدر و مادر و اعضای نزدیک خانواده	۰,۵	۲۷,۳	۷۲,۱	-	۱۰۰
عام‌گرایی	صداقت با دوستان	۲,۷	۵۹,۲	۳۸,۱	-	۱۰۰
	صداقت با همسایگان	۱۱,۴	۶۲,۶	۲۵,۵	۰,۶	۱۰۰
	صداقت با همکاران	۲,۹	۶۵,۸	۳۱,۳	-	۱۰۰
	صداقت با همه افراد جامعه	۹,۵	۶۶,۶	۲۳,۶	۰,۳	۱۰۰

موضوع محوری که در تحلیل هنجار صداقت وجود دارد این است که علاوه بر اینکه میانگین کلی تعهد و پای‌بندی به هنجار صداقت (۲۴,۴۷ در مقیاس صفر تا ۱۰۰) اندک است، گرایش به خاص‌گرایی نیز در رعایت این هنجار دیده می‌شود. شعاع رعایت هنجار صداقت کم است و

محدود به خانواده (همسر و والدین) می‌شود. دو موقعیت فرضی به منظور سنجش صیغه ارزش اخلاقی هنجار (شامل عدم باور به هنجار، احساس فشار جهت اجرای هنجار و آمادگی برای رعایت هنجار) طراحی شده است که از افراد می‌خواهد با قراردادن خویش در آن موقعیت، نزدیک‌ترین پاسخ به رفتار واقعی خود را تعیین کنند. این موقعیت‌ها علاوه بر اینکه می‌سنجد فرد به هنجار صداقت اعتقاد دارد یا خیر، این موضوع را مد نظر دارد که آیا آمادگی فرد برای رعایت هنجار به دلیل احساس فشار هنجار است یا ارزش اخلاقی هنجار مد نظر است.

در موقعیت اول؛ وضعیتی را که درباره هنجار صداقت است برای افراد شرح می‌دهیم که: «شما به عنوان مراقب امتحانی سر جلسه آزمون مهمی (نظیر کنکور) هستید، ناگهان متوجه تقلب یکی از افراد می‌شوید، وقتی جلوتر می‌روید متوجه می‌شوید آن فرد از بستگان شماست واکنش شما چیست؟» در این وضعیت، ۵۹،۱ درصد از شاغلین گفتند که حاضرند تقلب بستگان خود را گزارش کنند و آمادگی رعایت هنجار صداقت در این موقعیت را دارند، ۱۳،۴ درصد نیز به دلیل «فشار سازمانی و ترس از توبیخ شدن در موقعیت کاری» حاضرند در این موقعیت صداقت را رعایت کنند و بیش از ۲۷ درصد نیز این تقلب را گزارش نمی‌کنند و رابطه‌شان با بستگان اهمیت بیشتری دارد تا رعایت هنجار. در بررسی مشاغل گروه شغلی دبیران متوسطه و سپس پاسبان‌ها (افسران) بیشترین آمادگی رعایت این هنجار گزارش شده است و اکثر گروه کارگران صنعتی در این موقعیت، تقلب را گزارش نخواهند کرد.

در موقعیت دوم؛ نیز واکنش پاسخ‌گویان در مورد پرسش: «اگر شما شاهد دعوایی بودید و مقصر آن فامیل نزدیک شما باشد، و از شما شهادت بخواهند واکنش شما چه خواهد بود؟» نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد از پاسخ‌گویان می‌گویند باید صداقت را رعایت کرد و اگر در این موقعیت باشند حتما حقیقت را خواهند گفت. ۲۱،۶ درصد نیز به دلیل فشار قانونی که وجود دارد و عدم درگیری قانونی حاضرند صداقت را رعایت کنند و برای ۱۷،۹ درصد نیز حمایت از بستگان (خاص‌گرایی) مهم‌تر از صداقت-عام‌گرا است. نتایج تفکیکی مشاغل نیز نشان می‌دهد گروه شغلی نظامیان درجه‌دار نیروی انتظامی و سپس دبیران بیشترین آمادگی رعایت این هنجار را گزارش نموده‌اند و بیشتر گروه بهیاران نوشته‌اند به دلیل فشار قانونی در این موقعیت شهادت درست می‌دهند.

در پژوهش حاضر نیز میانگین هنجار صداقت ۲۴,۴۷ و میزان نمای آن ۲۳,۶۳ (درمقیاس صفر تا ۱۰۰) می‌باشد و دارای توزیعی با چولگی مثبت است و می‌توان در مورد این هنجار گفت که هنجار صداقت نوعی اختلال هنجاری از نوع ضعف هنجاری به «معنای نقصان در غلظه اجتماعی و تعهد» دارد. به طوری که اکثریت پاسخ‌گویان برای رعایت هنجار صداقت، آمادگی کمی دارند. این موضوع در مورد هنجاری که پایه‌ای برای وضعیت اخلاقی جامعه است بسیار نامناسب است، مخصوصاً زمانی که تصور اکثریت اعضای جامعه از یکدیگر، عدم صداقت باشد، فضای اعتماد و تفاهم را از بین می‌برد. وقتی در جامعه‌ای، اکثریت افراد تصورکنند سایرین با آن‌ها صداقت ندارند، خودشان نیز آمادگی رعایت این هنجار را کمتر خواهند داشت، یا حداقل در محدوده‌ای ویژه حاضر به رعایت یک هنجار عمومی هستند. باید گفت چنین هنجاری، قوت لازم را در جامعه ندارد. هنجاری اخلاقی که اساس نظم اجتماعی را تشکیل می‌دهد متزلزل شده و جایگزین آن قواعد قانونی یا زور خواهد شد، و در نهایت کارایی و بهره‌وری نظام اجتماعی کاهش می‌یابد. صداقت، در این پژوهش در طیف عام‌گرایی تا خاص‌گرایی مورد سنجش قرار گرفت و نتایج نشان داد وضعیت آن در بین آحاد جامعه میزان پایینی دارد. وقتی در جامعه‌ای همه افراد تصور کنند، دیگران صداقت را رعایت نمی‌کنند، این موضوع خود نوعی «استرسور» محسوب می‌شود که سلامت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد.

اثر انواع محرومیت بر هنجار صداقت

به کمک تحلیل چندمتغیری رگرسیونی (گام به گام)^۱ نتایج رگرسیونی محرومیت‌های اجتماعی بر هنجار صداقت محاسبه شد. یافته‌ها رابطه بین رعایت هنجار صداقت و متغیرهای مستقل پژوهش را به شرح زیر نشان می‌دهد. محرومیت اجتماعی با ۰,۴۵-، در سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد مقدار $p < 0.001$ ، بیشترین همبستگی (هم‌تغییری منفی و معکوس) و سپس محرومیت سیاسی ۰,۴۲- و محرومیت اقتصادی با ۰,۳۵- و نهایتاً محرومیت فرهنگی ۰,۲۰-، کمترین همبستگی را با رعایت هنجار صداقت داشته‌است. همچنین به کمک مدل رگرسیونی اثر محرومیت‌ها بر رعایت هنجار صداقت، می‌توان ۰,۲۵ درصد از تغییرات هنجار صداقت را پیش‌بینی کرد^۲.

1 Stepwise

۲ ضریب تعیین تعدیل شده؛ مربع ضریب همبستگی چنگانه بین رعایت هنجار صداقت و متغیرهای مستقل ۰,۲۵ است.

جدول شماره ۷. نتایج رگرسیون محرومیت‌های اجتماعی بر هنجار صداقت

متغیر های مستقل	ضرایب استاندارد رگرسیون (beta)	T	سطح معنی داری	میزان همبستگی
مقدار ثابت	-	۲۸,۴۰	۰,۰۰۰*	
محرومیت اقتصادی	-۰,۱۷	-۲,۵۲	۰,۰۰۰*	-۰,۳۵
محرومیت سیاسی	-۰,۱۹	-۳,۰۴	۰,۰۰۰*	-۰,۴۲
محرومیت اجتماعی	-۰,۲۵	-۳,۹۶	۰,۰۰۰*	-۰,۴۵
محرومیت فرهنگی	-۰,۱	-۰,۱۶	۰,۰۰۰*	-۰,۲۰
نتایج تحلیل واریانس (ANOVA)	F		۳۹,۹۷۲	
	معنی داری		۰/۰۰۰*	
ضریب تعیین (R^2)	۰,۲۶			
ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R^2)	۰,۲۵			

p<۰/۰۱***

مدل حاصل از مجموع محرومیت‌های چهارگانه رابطه معناداری با هنجار صداقت دارد. از بین متغیرها محرومیت اجتماعی مقدم بر سایر محرومیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و چنانچه که مشخص گردید نوع رابطه معکوس و منفی بوده است و با افزایش انواع محرومیت در جامعه (در چنانچه همزمان) بستری فراهم می‌گردد که هنجار صداقت در میان افراد با شدت کمتر و در شعاع محدودتر خاص‌گرا (خانواده) اجرایی شود.

نتیجه‌گیری

در پی بررسی شرایط وقوع هنجار اجتماعی صداقت، پژوهش حاضر به سراغ مقوله محرومیت اجتماعی رفته تا با شناسایی انواع و پیامدهای محرومیت اجتماعی در بین اقشار و گروه‌های اجتماعی، آثار آن را بر هنجار صداقت مورد سنجش قرار دهد. با توجه به دیدگاه نظریه نظم اجتماعی چلبی (۱۳۷۵) و تأکید وی بر اخلاق مسئولیت (و شروط آن) به نقش محرومیت‌ها بر هنجار صداقت (تصور اجتماعی از هنجار، فشار هنجاری و آمادگی رعایت هنجار) توجه شد.

نتایج حاصل از موردپژوهی در مشاغل موضع عادی (مشاغل کارگر صنعتی، پاسبان، بهیار و معلم)، موضع کمکی (مشاغل کارمند بانک، نظامی درجه‌دار نیروی انتظامی، پرستار و دبیر) و موضع بانفوذ (مشاغل کارشناسان ارشد، وکیل، پزشک عمومی و اساتید دانشگاه) نشان می‌دهد که از بین چهار بُعد محرومیت، **محرومیت سیاسی** اولین و بالاترین نوع محرومیت در بین تمام گروه‌های شغلی بوده است. پس از آن **محرومیت فرهنگی** و سپس **محرومیت اقتصادی** و **اجتماعی** قرار دارد. این موضوع به خصوص به دلیل اهمیت امنیت و احساس امنیت می‌باشد. گروه‌های شغلی کارگر صنعتی، بهیار و پرستار که در هر چهار نوع محرومیت بیشترین میانگین را کسب نمودند، در آمادگی برای رعایت هنجار صداقت کمترین میانگین را داشتند و همچنین دو گروه شغلی نظامی درجه‌دار نیروی انتظامی و پاسبان (افسر) (از مشاغل حوزه سیاسی) ضمن کسب کمترین میانگین محرومیت‌ها، در آمادگی برای رعایت هنجار صداقت پیشرو بوده‌اند. در بررسی هنجار صداقت نحوه تصور از رعایت هنجار در جامعه و آمادگی برای رعایت هنجار (در شعاع عام‌گرا یا خاص‌گرا) مورد توجه بوده و میانگین آمادگی برای رعایت هنجار صداقت (در مقیاس صفر تا ۱۰۰)، ۲۴,۴۷ می‌باشد که سطح نازلی است. همچنین حدود ۹۶ درصد از افراد نمونه این پژوهش معتقدند میزان هنجار صداقت در ایران «متوسط رو به کم» اجرا می‌شود و همچنین شعاع رعایت هنجار نیز به سمت خاص‌گرایی گرایش داشته است. همان‌گونه که در بخش نظری بیان شد، گزاره محرومیت منجر به خاص‌گرایی می‌گردد (چلبی، ۱۳۹۴: ۸۷) تأیید شد. همچنین موضوع تأیید شده در موردپژوهی وجود نوعی از اختلال هنجاری از نوع ضعف هنجار صداقت بوده است. در زمینه صداقت در جامعه هرچند هنجارهای متعدد اجتماعی و اخلاقی (در فرامین مذهبی و سنتی) وجود دارد و از دروغ‌نهی شده است، اما اگر فشار هنجاری برای این مهم در میان اقشار مردم کاهش یابد و عده‌ی کمی احساس تعهد بالایی داشته باشند، باید گفت در این زمینه ضعف هنجاری وجود دارد. نتایج تحلیل آماری نیز نشان می‌دهد به کمک مدل رگرسیونی ۲۵ درصد از تغییرات هنجار صداقت با محرومیت‌های اجتماعی قابل تبیین است.

فرض اصلی این پژوهش این است که حوزه‌ی عمل محرومیت و فقر فقط در بُعد مالی و اقتصادی نیست. باید توجه داشت زمانی که کیفیت زندگی پایین می‌آید بی‌اعتمادی، مشارکت کمتر

در گروه ها و انجمن ها، عدم کارایی، ناامیدی، نارضایتی و افسردگی بیشتر می شود. همچنین با افزایش ابعاد مختلف محرومیت در بخش های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وضعیتی در جامعه ایجاد می شود که رعایت هنجارهای اصلی را مختل می کند. نتایج بخش تحلیلی نشان می دهد در مجموع انواع محرومیت های اجتماعی با هنجار صداقت همبستگی دارند و محرومیت های اجتماعی (در چهار بُعد معرفی شده در این پژوهش)، رابطه تأیید شده ای با رعایت هنجار صداقت در جامعه دارند و محرومیت شرط ضعیف کننده هنجار صداقت است. نکته قابل توجه آن است که تحت تأثیر محرومیت ها، شرایط رعایت هنجارهای اجتماعی دشوار می گردد. با توجه به نظریه نظم اجتماعی و تأکید بر انواع فرصت ها در جامعه، برای ایجاد شروط اخلاق مسئولیت، در بستری از انواع محرومیت در گروه های شغلی نمی توان به دنبال افزایش رعایت هنجارهای پایه ای و اخلاقی بود. بنابراین با توجه به این اصل، لزوم توجه به بهبود شاخص های کیفیت زندگی و کاهش محرومیت ها مهم ترین پیشنهاد مورد تأکید این پژوهش است.

منابع

- ارونسون. البوت (۱۳۸۲)، روانشناسی اجتماعی، حسین شکرکن، تهران: جوانه رشد.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۳)، چارچوب مفهومی پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵)، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۴)، تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه شناسی، تهران: نشر نی.
- دفتر طرح های ملی (۱۳۹۴)، پیمایش سرمایه اجتماعی، یافته های پیمایش، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فورسایت، دانلسون (۱۳۸۰)، پویایی گروه، شناخت و سنجش، جعفر نجفی زند و حسن پاشا شریفی، تهران: نشر دوران.
- کی بین، رابرت (۱۳۷۸)، طرح تحقیق و روش های مورد پژوهی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: طلوع آزادی.
- گر، تدرابرت (۱۳۸۸)، چرا انسان ها شورش می کنند. ترجمه علی مرشدی زاده. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
- Bossert, Walter; D'Ambrosio, Conchita and Peragine, Vito. (2004), **Deprivation and Social Exclusion**, Cahiers de recherche, Centre interuniversitaire de recherche en économie quantitative, CIREQ.
- Haan, de, A. (2011). Rescuing exclusion from the poverty debate: group disparities and social transformation in India, Institute of Social Studies.
- Hirschi, Travis. (1969). Causes Delinquency. University of California Press.
- Levitas, R., Pantazis, C., Famhy, E., Gordon, D., Lloyd, E., and Patsios, D. (2007). The multi-dimensional analysis of social exclusion, Townsend Centre for the International Study of Poverty and Bristol Institute for Public Affairs, University of Bristol.
- Mathieson, Jane , Jennie Popay, et al.(2008). Social Exclusion Meaning, Mesurment and experience and links to health inequalities, World Health Organization.

